



دوشنبه ۴ اسفند ۱۴۰۴

وطن امروز | شماره ۴۵۴۲

ورزشی

اخبار

ادعای مضحک رسانه موساد درباره کاربری نظامی ورزشگاه‌های ایران

توجیه برای جنایت آتی!



شبکه تروریستی اینترنشنال بار دیگر با طرح ادعایی خنده‌دار، این بار ورزشگاه‌های فوتبال ایران را وارد میدان روایت‌سازی جعلی خود کرده است؛ ادعایی که نه بر پایه سند مشخص، بلکه بر مبنای تحلیل و گمانه‌زنی فضایی مطرح شده و واکنش‌های گسترده‌ای را به دنبال داشته است. محمد تقوی، بازیکن پیشین فوتبال و تحلیلگر ورزشی این شبکه ضدایرانی، در اظهار نظری عجیب مدعی شد استادیوم‌ها محل حضور نیروهای امنیتی هستند و اگر روزی چنین امکانی هدف حمله قرار گرفتند، نباید صرفاً به عنوان مراکز ورزشی به آنها نگاه کرد؛ جمله‌ای که بیش از آنکه تحلیل فنی باشد، حامل پیامی سیاسی و امنیتی است.

این نخستین بار نیست که چنین گزاره‌هایی دربارۀ زیرساخت‌های غیرنظامی ایران مطرح می‌شود. پیش از این نیز روایت‌هایی مشابه درباره مراکزی مانند مدارس و بیمارستان‌ها مطرح شده بود، بی‌آنکه هیچ مدرک قابل بررسی و مستقلی ارائه شود. منتقدان مدعیند تکرار این الگو، بخشی از یک چارچوب رسانه‌ای هدفمند است که تلاش می‌کند کاربری مراکز عمومی را در ذهن مخاطب تغییر دهد. یعنی دشمن باید این امکان را بباران کند چون به زعم آنها نظامی است!

در همین روزها، مسابقه پرسپولیس و خبیر در ورزشگاه پاس تهران برگزار شد؛ مجموعه‌ای ورزشی که در قلب شهرک اکباتان و در میان مجتمع‌های مسکونی قرار دارد. زندگی روزمره ساکنان اطراف، نشان‌دهنده ماهیت عادی و عمومی این مکان است. در چنین فضایی، هرگونه فعالیت غیرمعمول به سرعت مورد توجه شهروندان قرار می‌گیرد؛ موضوعی که با روایت مطرح‌شده از سوی این شبکه همخوانی ندارد.

منتقدان همچنین به سابقه پرتکرار انتشار اخبار کذب از سوی اینترنشنال اشاره می‌کنند؛ از اعلام آمارهای بزرگ جان‌باختگان حوادث دی بدون ارائه فهرست اسامی گرفته تا انتشار گزارش‌هایی درباره خروج برخی مسؤولان که هرگز تأیید نشد. این سابقه، به باور ناظران، باعث شده اعتبار ادعاهای جدید این رسانه نیز با تردید جدی مواجه شود.

از نگاه تحلیلگران رسانه، طرح چنین روایت‌هایی تنها یک سیر ساده نیست، بلکه بخشی از یک نبرد ذهنی برای تغییر درک مخاطبان است. در این چارچوب، مراکز عمومی از کارکرد اصلی خود فاصله داده می‌شوند و در قالب تعاریف جدیدی بازنامای می‌شوند. این روند، به گفته منتقدان، می‌تواند پیامدهایی فراتر از فضای رسانه داشته باشد و افکار عمومی را با نگرانی و ابهام مواجه کند.

در نهایت، آنچه اهمیت دارد، تمایز میان واقعیت و روایت است. بدون وجود اسناد روشن و قابل راستی‌آزمایی، چنین ادعاهایی بیش از آنکه حقیقتی اثبات‌شده باشد، بخشی از بازی همدفار رسانه‌ای محسوب می‌شود؛ جدالی که این بار زمین فوتبال را به میدان تقابل روایت‌ها تبدیل کرده است.

■ ■ ■

در دسر بزرگ کلاه ترامپ

برای رئیس فیفا

رئیس فدراسیون جهانی فوتبال(فیفا) به خاطر پوشیدن کلاه طرفداران ترامپ منتهم به قانون شکنی شد. «آدام اینفانتینو نقش آشکار قانون بی‌طرفی سیاسی است» این گزارش نشریه گاردین درباره پوشیدن کلاه قرمز شبیه «USA» و «FIFA» که اشاره به ترامپ دارد) توسط جتانی اینفانتینو، رئیس فیفلسنت

فیفا (ماده ۵ کد اخلاقی) و IOC(منشور المپیک و کد اخلاقی) اعضای خود را ملزم به بی‌طرفی سیاسی می‌کنند

رئیس فیفا که همیشه مواضع حمایتی از ترامپ داشته، ۲ روز پیش در جلسه موسوم به «هیات صلح» ترامپ در واشگتن دی‌سی از خطوط قرمز عبور کرد و کلاه مشهور قرمز رنگ طرفداران ترامپ را بر سر گذاشت.

کرپستی کاونتری، رئیس کمیته بین‌المللی المپیک (IOC) می‌گوید «ما بررسی خواهیم کرد که آیا این اقدام با الزامات عضویت در IOC سازگار است یا خیر. اعضای IOC باید مستقل از هرگونه منافع سیاسی عمل کنند و از هرگونه حمایت آشکار از اشخاص یا جناح‌های سیاسی اجتناب کنند

طبق گزارش AP و Reuters، کمیته بین‌المللی المپیک تحقیقات داخلی را آغاز کرده و ممکن است اینفانتینو را به کمیته اخلاق ارجاع دهد.

آقدام جنجالی رئیس فیفا در ادامه رابطه نزدیک و بحث برانگیزش با ترامپ است چون پیش از این هم یک جایزه من درآوردی به نام «جایزه صلح فیفا» را بدون مشورت با شورای فیفا به او اهدا کرد.

هودیک لیندال، دروازه‌بان سابق تیم ملی سوئد و فعال حقوق بشر معتقد است اینفانتینو با بر سر گذاشتن کلاه MAGA در جلسه ترامپ، نه‌تنها قوانین فیفا و IOC را نقض کرده، بلکه این اقدام، سفیدشویی جنایات اسرائیل و سیاست‌های ترامپ است.

محکومیت رئیس فیفا یک فرآیند رسمی و قانونی است که عمدتاً از طریق کمیته اخلاق فیفا و کمیته اخلاق IOC انجام می‌شود. در این فرآیند شواهد نقض قانون بررسی می‌شود و بعد از آن حکم نهایی علیه قانون شکن صادر خواهد شد.

مربیان به استقلال می آیند ومی روند اما بحران ها باقی می ماند

چرخه بی پایان

ماجرای جدایی پیتسو موسیما،ه، نخستین نشانه این بحران بود. سرمربی آفریقای که با امید به ایجاد تحول آمده بود، به دلیل اختلافات مالی و مدیریتی، پیش از آنکه فرصت اجرای برنامه‌هایش را پیدا کند، باشگاه را ترک کرد. پس از او، سهراب بختیاری‌زاده بار دیگر مسؤولیت را پذیرفت اما این همکاری نیز دوام چندانی نداشت. محمد نوازی در ادامه، به عنوان راه‌حل موقت انتخاب شد؛ انتخابی که بیش از آنکه نتیجه یک استراتژی باشد، واکنشی به شرایط اضطراری بود.

در ادامه، ورود میودراگ بوژوویچ به نیمکت استقلال، تصمیمی غیرمنتظره تلقی شد.او در شرایطی هدایت تیم را بر عهده گرفت که حتی پیش از تثبیت جایگاهش، سایه تردید بر آینده‌اش سنگینی می‌کرد. دوران حضور او نیز کوتاه بود و نتوانست تغییر محسوسی ایجاد کند. پس از آن، مجتبی جباری مسؤولیت را پذیرفت؛ اسطوره‌ای که توانست جام حذفی را برای استقلال به ارمان بیاورد اما حتی این موفقیت نیز تضمینی برای ادامه همکاری با وی نشد. سپس ریکاردو ساینٔو، با سابقه‌ای نسبتاً مقبول آمد. تصور می‌شد او بتواند این چرخه را متوقف کند اما نتایج ناپایدار و شکست در رقابت‌های آسیا، پایان کار او را رقم زد. اکنون با حضور موقت غفوری، استقلال وارد مرحله‌ای دیگر از این مسیر نامطمئن شده است.

نگاهی به آمار، عمق این بحران را آشکارتر می‌کند. در فاصله ۴۱۰ روز، ۷ نفر مسؤولیت هدایت تیم را بر عهده گرفته‌اند. این یعنی به طور متوسط، هر سرمربی کمتر از ۲ ماه فرصت داشته است.در فوتبال حرفه‌ای، حتی ایجاد ابتدایی‌ترین تغییرات تاکتیکی نیز به زمان بیشتری نیاز دارد. وقتی یک مربی پیش از آنکه بتواند فلسفه خود را پیاده کند کنار گذاشته می‌شود، نتیجه چیزی جز

سردرگمی نخواهد بود. این بی‌ثباتی، تنها محدود به نتایج نیست، بلکه بر روحیه بازیکنان نیز تأثیر گذاشته است. هر مربی با دیدگاه متفاوتی وارد می‌شود، سیستم جدیدی ارائه می‌دهد و سپس پیش از تثبیت آن، جای خود را به فرد دیگری می‌دهد. این روند، مانع شکل‌گیری یک هویت فنی مشخص شده است. بازیکنان در چنین فضایی، بیشتر در حال تطبیق با تغییرات هستند تا پیشرفت در یک مسیر مشخص.

نتکته نگران‌کننده‌تر، نبود چشم‌انداز روشن برای آینده است. حتی اکنون نیز صحبت از جذب یک مربی خارجی برای فصل آینده مطرح شده است. این یعنی باشگاه، هم‌زمان با تصمیمات کوتاه‌مدت، به دنبال گزینه‌های بلندمدت است اما تجربه نشان داده این برنامه‌ها اغلب پیش از اجرا، تغییر می‌کنند.

استقلال امروز، بیش از هر زمان دیگری نیازمند ثبات است. تیمی با این سابقه و این حجم هوادار، نمی‌تواند با تصمیمات مقطعی به مسیر موفقیت بازگردد. ثبات، نه فقط در نیمکت، بلکه در مدیریت و برنامه‌ریزی نیز ضروری است.

بدون ثبات، حتی بهترین مربیان نمی‌توانند تغییری پایدار ایجاد کنند.

نیمکت استقلال، دیگر فقط یک صندلی نیست؛ نمادی است از وضعیت کلی باشگاه. نمادی از تصمیماتی که بیشتر بر اساس واکنش اتخاذ می‌شود تا برنامه. اگر این چرخه ادامه یابد، تغییر نام‌ها نیز تفاوتی ایجاد نخواهد کرد، زیرا مشکل، نه در افراد، بلکه در ساختاری است که فرصت ماندگاری را از بین می‌برد.

در نهایت، پرسش اصلی این نیست که مربی بعد چه کسی خواهد بود، بلکه این است که آیا استقلال سرانجام به نقطه‌ای خواهد رسید که مایش فرصت ساختن داشته باشد؟ تا زمانی که پاسخ این سوال نامشخص باشد،

نیمکت استقلال همچنان در وضعیت سرگردان باقی خواهد ماند؛نیمکتی که بیش از آنکه محل هدایت باشد، به نمادی از بی‌قراری تبدیل شده است.



مصاحبه جنجالی ساینٔو و حمله مستقیم به تاجر نیا و غفوری

کودتادر آرامش

سرمربی پر تغالی قرار گرفت؛ کسی که به گفته ساینٔو، با صداقت و تعهد، نقش مهمی در حفظ روحیه تیم داشته است. او همچنین از سایر اعضای کادر، از جمله مربیان، تیم پزشکی، آنالیزورها و تندر کات، به خاطر تلاش‌های‌شان برای موفقیت تیم تشکر کرد. اما بخش جنجالی این مصاحبه، به انتقاد غیر مستقیم از وریا غفوری مربوط می‌شد. ساینٔو در اظهارات خود به فردی اشاره کرد که به بدون داشتن مدرک مربیگری، در خواست حضور در کادر فنی را داشته اما هم‌زمان اقداماتی انجام داده که نشان دهنده تلاش برای جایگزینی سرمربی بوده است. او همچنین بیان کرد که در این فرآیند، به تمرینات و مطرح کردن احتمال برکناری سرمربی، فضای تیم را تحت تأثیر قرار داده است. ساینٔو این

انتقادشده، ضربات جدی به ساختار تیم وارد کرده است. او معتقد است استقلال از نظر فنی و نیروی انسانی ظرفیت موفقیت را داشته اما دخالت‌های مدیریتی و نبود ثبات، مانع تحقق این ظرفیت شده است. سرمربی سابق استقلال تأکید کرد، برخی افراد در مدیریت باشگاه بیش از آنکه به موفقیت تیم فکر کنند، به دنبال تثبیت موقعیت و شهرت شخصی خود هستند.

در ادامه، ساینٔو از اعضای کادر فنی خود به خاطر همراهی در شرایط سخت قدردانی کرد. او به‌طور ویژه از خسرو حیدری نام برد و او را فردی وفادار، متعهد و دارای شخصیت حرفه‌ای توصیف کرد که همواره منافع استقلال را در اولویت قرار داده است. همچنین بهزاد غلامپور از دیگر افرادی بود که مورد تمجید

ریکاردو ساینٔو، سرمربی سابق استقلال، در آخرین مصاحبه خود پس از جدایی از این تیم، با صراحتی کم‌سابقه به انتقاد از مدیریت باشگاه پرداخت و علی‌تاجر نیا را عامل اصلی بحران‌های اخیر استقلال معرفی کرد. این مربی پر تغالی در صحبت‌های خود تأکید کرد مشکل استقلال نه فنی، بلکه مدیریتی است و تا زمانی که چنین رویکردی در رأس باشگاه وجود داشته باشد، رسیدن به موفقیت دشوار خواهد بود.

ساینٔو در بخشی از این مصاحبه، با اشاره مستقیم به تاجر نیا، عملکرد مدیریتی او را غیر حرفه‌ای دانست و گفت تصمیمات



استقلال برای بازی با مس رفسنجان، سرمربی ندارد و نیمکت این تیم موقتا به وریا غفوری سپرده شده است؛ کسی که برای تجربه‌اندوزی به کادر ساینٔو اضافه شد و الا ن با کمترین تجربه و تخصص، رهبری آبی‌پوشان را

در مقطعی حساس از کورس قهرمانی ولو برای یک بازی به عهده گرفته است؛ بازی‌ای که روی کاغذ آسان می‌نماید ولی نتیجه‌اش به مراتب موثر و مهم است.

۲ هر دستیار سرمربی سابق استقلال (خسرو حیدری و وریا غفوری)، فاقد تجربه، دانش و تخصص لازم بودند و این بخوبی از عدم توانایی‌شان در کمک به مرد پر تغالی و مجموعه تیم پیدا بود.

هر چند انتخاب خسرو حیدری نیز کاری غلط بود ولی وی حداقل نسبت به وریا غفوری تجربه کاری و رجحیت بیشتری داشت. حال چرا قرعه به نام دستیار تازه کار و بی‌تجربه ساینٔو برای هدایت استقلال برابر مس رفسنجان (در این مقطع حساس) افتاده، دلایل هرچه باشد منبعث از همان مدیریت فشل و ندانم کاری مدیران



عبدالله درایی

در مقطعی حساس از کورس قهرمانی ولو برای یک بازی به عهده گرفته است؛ بازی‌ای که روی کاغذ آسان می‌نماید ولی نتیجه‌اش به مراتب موثر و مهم است.

۲ هر دستیار سرمربی سابق استقلال (خسرو حیدری و وریا غفوری)، فاقد تجربه، دانش و تخصص لازم بودند و این بخوبی از عدم توانایی‌شان در کمک به مرد پر تغالی و مجموعه تیم پیدا بود.

هر چند انتخاب خسرو حیدری نیز کاری غلط بود ولی وی حداقل نسبت به وریا غفوری تجربه کاری و رجحیت بیشتری داشت. حال

چرا قرعه به نام دستیار تازه کار و بی‌تجربه ساینٔو برای هدایت استقلال برابر مس رفسنجان (در این مقطع حساس) افتاده، دلایل هرچه باشد منبعث از همان مدیریت فشل و ندانم کاری مدیران

استقلال برای بازی با مس رفسنجان، سرمربی ندارد و نیمکت این تیم موقتا به وریا غفوری سپرده شده است؛ کسی که برای تجربه‌اندوزی به کادر ساینٔو اضافه شد و الا ن با کمترین تجربه و تخصص، رهبری آبی‌پوشان را

در مقطعی حساس از کورس قهرمانی ولو برای یک بازی به عهده گرفته است؛ بازی‌ای که روی کاغذ آسان می‌نماید ولی نتیجه‌اش به مراتب موثر و مهم است.

۲ هر دستیار سرمربی سابق استقلال (خسرو حیدری و وریا غفوری)، فاقد تجربه، دانش و تخصص لازم بودند و این بخوبی از عدم توانایی‌شان در کمک به مرد پر تغالی و مجموعه تیم پیدا بود.

هر چند انتخاب خسرو حیدری نیز کاری غلط بود ولی وی حداقل نسبت به وریا غفوری تجربه کاری و رجحیت بیشتری داشت. حال چرا قرعه به نام دستیار تازه کار و بی‌تجربه ساینٔو برای هدایت استقلال برابر مس رفسنجان (در این مقطع حساس) افتاده، دلایل هرچه باشد منبعث از همان مدیریت فشل و ندانم کاری مدیران

بختیاری‌زاده با پیروزی شروع کرد استقلال با یک گل از سد مس رفسنجان گذشت

سهراب؛ نوشداروی همیشگی

نیمکت استقلال دوباره به یکی از چهره‌های قدیمی این باشگاه سپرده شد.سهراب بختیاری‌زاده با اعلام رسمی مدیران آبی‌پوشان، هدایت تیم را بر عهده گرفت و جانشین ریکاردو ساینٔو شد؛ تصمیمی که بعد از روزها گمانه‌زنی و جلسات فشرده در سطح باشگاه نهایی شد.

باشگاه استقلال قبل از بازی با مس با انتشار اطلاعیه‌ای رسمی اعلام کرد پس از پایان همکاری با ساینٔو، کمیته مشورتی فنی تشکیل جلسه داده و گزینه‌های مختلف داخلی و خارجی را از منظر فنی، مدیریتی و برنامه‌محور بررسی کرده است. در نهایت، جمع‌بندی این جلسات به انتخاب بختیاری‌زاده انجامید؛ مربی‌ای که سابقه حضور در استقلال را هم به عنوان بازیکن و هم در مقطعی کوتاه به عنوان سرمربی در کارنامه دارد. در بیانیه باشگاه تأکید شد تکیه بر نیروهای وفادار و برخاسته از خانواده استقلال، بخشی از راهبرد بلندمدت مدیریت برای حفظ هویت باشگاه است. همین رویکرد باعث شد نام سهراب در میان گزینه‌های نهایی جدی‌تر شود و در نهایت رأی اعتماد هیات‌مدیره را به دست آورد. همچنین اعلام شد او در کنار کادر ایرانی، از یک دستیار خارجی با تجربه نیز بهره خواهد برد تا ساختار فنی تیم تقویت شود.

بازگشت بختیاری‌زاده در شرایطی رقم خورده که استقلال در کورس قهرمانی لیگ برتر قرار دارد و هواداران انتظار دارند تغییر روی نیمکت، به ثبات و نتایج بهتر منجر شود. حالا سهراب با مسؤولیتی سنگین روبه‌رو است؛ احیای آرامش در رختکن و رساندن آبی‌ها به هدفی که از ابتدای فصل ترسیم شده بود؛ فتح لیگ.

استقلال دیشب در نخستین بازی دوران پسا ساینٔو با پیروزی یک بر صفر در رفسنجان مقابل مس، با ۳۸ امتیاز به صدر جدول لیگ صعود کرد.



رفتار را غیر حرفه‌ای و مغایر با اصول احترام، قدردانی و وفاداری دانست.

ساینٔو در پایان مصاحبه خود، خطاب به هواداران استقلال تأکید کرد همواره قدردان حمایت آنها خواهد بود و دوران حضورش در این باشگاه را فراموش نخواهد کرد. او ضمن اشاره به اهمیت وفاداری در فوتبال، ابراز امیدواری کرد استقلال بتواند در آینده با تغییر مدیریت، مسیر موفقیت را دوباره پیدا کند. این مصاحبه حاوی انتقادهای صریح از تاجر نیا و برخی اتفاقات داخلی بود، بار دیگر اختلافات عمیق در ساختار مدیریت استقلال را آشکار کرد و واکنش‌های گسترده‌ای را در میان هواداران این باشگاه به همراه داشت.

۲- گزینه دیگر که کارش نیز نهایی شد، سهراب بختیاری‌زاده است.

سهراب از جمیع جهات انتخاب بهتری برای استقلال نسبت به یحیی است. ضمن اینکه تجربه رهبری استقلال در اوج مشکلات را نیز دارد اما اینجا باز این سوال پیش می‌آید؛ اگر مدیران استقلال با علم و مطالعه به سهراب بختیاری‌زاده رسیدند و شرط وی برای آوردن دستیار خارجی را هم قبول کرده‌اند، چرا فصل قبل که وی توانسته بود تیم را جمع و جور کند و چنین درخواستی را نیز مطرح کرده بود، با درخواستش موافقت نکردند و در استانه داری عذرش را خواستند و انتخاب بوژوویچ را نشانی به شرایط استقلال را بر ایقایی وی تر جیح دادند و اینک مجددا در جمع‌بندی‌شان به انتخاب وی رسیدند؟

القصد! ماجرای انتخاب جانشین موقت و دائم ساینٔو در استقلال را از هر سو و مفقذی که بنگری به فشل بودن، ندانم‌کاری، تصمیمات لحظه‌ای یا پشتوانه فکری و منظور کردن مصالح باشگاه تصمیم‌گیری مدیر بدشدت سیاسی استقلال خواهی رسید و عجا که ماقوف او هنوز چنین مواردی را در ک نکرده یا نمی‌خواهد درک کند اما به چه قیمتی، اللہاعلم!

انضباطی برای حفظ تمرکز و کنترل شرایط استفاده می‌شود.

■ بحران در زمین، نه در بیاتنه‌ها

واقعیت این است که مشکل اصلی پرسپولیس در زمین مسابقه دیده می‌شود. تیمی که زمانی با انسجام دفاعی و هماهنگی هجومی شناخته می‌شد، اکنون در هر دو بخش دچار نوسان است. ساختار تاکتیکی ثبات ندارد، بازیکنان در اجرای وظایف‌شان مردد هستند و تیم فاقد اقتداری است که پیش‌تر ویژگی اصلی‌اش محسوب می‌شد.

اظهارات و توضیحات خراج از زمین، نمی‌تواند این ضعف‌ها را پنهان کند. هواداران بیش از هر چیز، به دنبال نشانه‌هایی از پیشرفت هستند؛ نشانه‌هایی که فعلا دیده نمی‌شود. مسؤولیت بازگرداندن این اعتماد، بیش از هر فرد دیگری بر عهده سرمربی است.

زمان برای پرسپولیس به سرعت در حال از دست رفتن است. فصل به مراحل پایانی نزدیک می‌شود و فرصت اصلاح اشتباهات محدود است. در چنین شرایطی، تمرکز بر مسائل حاشیه‌ای، تنها فاصله تیم را از مسیر اصلی بیشتر می‌کند.

پرسپولیس برای خروج از این وضعیت، بیش از هر چیز به وضوح در تصمیم‌گیری نیاز دارد؛ وضوحی که از نیمکت آغاز می‌شود. اوسمار باید مشخص کند آیا می‌تواند تیم را از این وضعیت خارج کند یا نه، زیرا در فوتبال، توضیحات جایگزین نتایج نمی‌شوند. تنها عملکرد در زمین است که می‌تواند پاسخ نهایی را ارائه دهد.

^[1] سهراب بختیاری‌زاده با پیروزی شروع کرد استقلال با یک گل از سد مس رفسنجان گذشت

^[2] سهراب بختیاری‌زاده با پیروزی شروع کرد استقلال با یک گل از سد مس رفسنجان گذشت